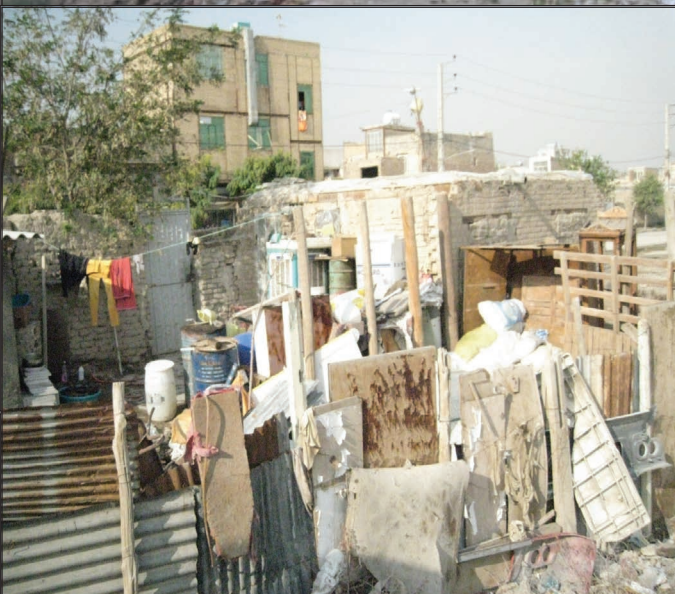


ماهنامه اجتماعی - فرهنگی
سال اول، شماره ۳، مردادماه ۱۳۹۵
۱۶ صفحه، ۱۰۰۰ تومان

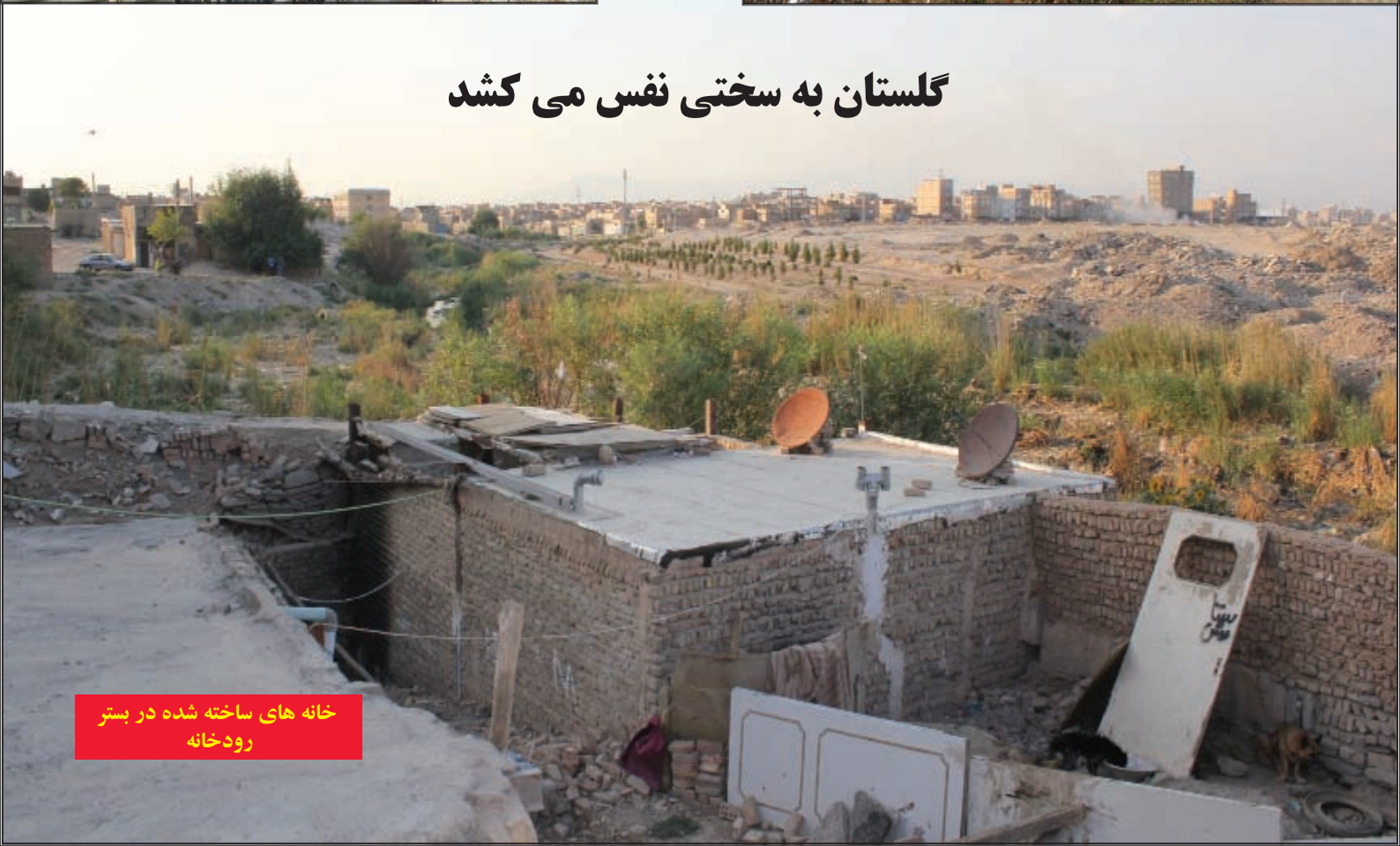
آوازی همپاری



از مدرسه سازی
تا یتیم نوازی



گلستان به سختی نفس می کشد



خانه های ساخته شده در بستر رودخانه

آوازی همپاری

ماهنامه اجتماعی - فرهنگی، شماره ۳، مرداد ۱۳۹۵

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:

مهرزاد شفیق پور

ویراستار:

فریبا اعظمی

آدرس نشریه:

تهران، اندیشه، فاز ۲، میدان مادر، بلوار نیایش،

مجتمع نیایش، بلوک ۵A، طبقه ۴، واحد ۱۶.

کد پستی ۳۱۶۹۹۷۶۹۸۴

تلفن:

۰۲۱۶۵۵۰۶۸۰۱-۰۹۱۰۶۶۰۱۳۰۹

پست الکترونیک:

avayehamyari@gmail.com

لیتوگرافی و چاپ

آیین چاپ، تهران، خیابان انقلاب، پل چوبی، نبش خیابان اعتمادی،

پلاک ۲۴۰، کد پستی ۱۱۴۹۶۷۸۵۱۱

تلفن:

۰۲۱۷۷۵۲۰۰۳۵

همراه شو

ای همنوع، ای هم وطن

همراه و همیار من تویی

درد من، درد توست

گریه من، گریه توست

خنده من، خنده توست

شادی من، شادی توست

بیا که امروز

همراه و یار هم باشیم

که فردا دیر است

سر مقاله

۴ « زنده باد ملت ایران

سایه ساران وطن

۵ « از مدرسه سازی تا یتیم نوازی

اجتماع

۷ « گلستان به سختی نفس می کشد

۱۰ « مدارا، حذف یا باز آفرینی پدیده اتاق نشینی

در محله هرنندی تهران (بخش دوم)

آسیب شناسی اجتماعی

۱۱ « اثرات سوء پدیده غم انگیز طلاق

جامعه مدنی

۱۳ « جامعه خیرین مدرسه ساز کشور یاوران نظام تعلیم و تربیت

۱۴ « مجمع خیرین شهرستانهای استان تهران گامی در راستای توسعه آموزش استان و کشور

زنده باد ملت ایران

فریبا اعظمی

و اجرای کامل آن معنایی نداشت و قانون منصفانه باید مرجعی صالح که برآمده از مردم بود را تعیین می کرد.

بنابراین روحانیون و بازرگانان با رهبری شخصیت های برجسته مذهبی تهران مانند سید محمد طباطبایی و سید عبدا... بهبهانی اعتراض خود را به صورت بست نشینی در حرم عبدالعظیم و سپس در حرم حضرت معصومه نشان دادند. دو هزار تن از تجار و طلاب به رهبری طباطبایی و بهبهانی با بست نشینی در حرم عبدالعظیم، چهار خواسته اصلی خود را اعلام کردند. آنان درخواست های خود را محدود به یک اقدام معنوی در جهت ایجاد حکومت قانون کردند. لزوم مشارکت مردم در انتخاب وزیران در درخواست آنان برای عزل وزیران منعکس بود. بست نشینان پس از مذاکرات مفصل با نمایندگان شاه و دریافت دست خط او مبنی بر ایجاد عدالتخانه، حکومت را وادار به تسلیم کردند. لیکن معترضان پیروز در بازگشت به شهر با استقبال جمعیت پرشماری که فریاد «زنده باد ملت ایران» سر داده بودند روبه رو شدند. ۱. بنابراین شعار زنده باد ملت ایران که برای اولین بار از زبان حامیان بست نشینان مطرح شد؛ سرآغاز اتحاد و همدلی ملت ایران برای پیروزی بعدی گردید.

ملک زاده در رابطه با مشارکت و همبستگی اقشار مختلف از جمله بازاریان در پیروزی نهضت مشروطه می نویسد که بدون مشارکت بازار از بین بردن نظام سابق قابل تصور نبود. یک نویسنده مارکسیست نیز که سالها بود ثوری آنارشستی قیام را بررسی می کرد، تایید می کند که انقلاب مشروطه ایران از لحاظ راهپیمایی های صلح آمیز، گردهمایی های توده ای و اعتصابات عمومی در بین انقلابات بورژوازی بی نظیر بود و اگر هم گروهی از مردم طرفدار دربار بودند، نه در گفتار و نه کردار پشتیبانی خود را نشان ندادند. ۲.

نتیجه آن که قوه مقننه که در قانون اساسی مشروطه در قالب مجلس شورای ملی متجلی شد، مظهر تجمع و اعمال اراده ملی بود. مردم از طریق نمایندگان خود با وضع قانون و نظارت بر امور از طریق مجلس حق حاکمیت و اراده خود را به اجرا گذاشتند. نهضت مشروطه تنها بر علیه شیوه های استبدادی حکومت نبود بلکه با نفوذ خارجیان نیز ضدیت داشت و از این رو از یک انگیزه ملی و دموکراتیک برخوردار بود. حرکتی بود که به مردم ایران همبستگی می داد و حیثیت و آزادی را زنده می ساخت در نتیجه به پاکسازی حکومت می پرداخت و مردم را در امور کشور سهیم می کرد. این ترکیب عواطف سیاسی و ملی گرایانه از بین نرفت و ادامه یافت به طوری که به هنگام ملی شدن صنعت نفت ایران در زمان دکتر مصدق این ترکیب الهام بخش وی و ملت ایران به شمار می رفت. ۳.

منابع:

- ۱- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، چاپ دوم، انتشارات نشر نی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵.
- ۲- همان، ص ۱۱۷.
- ۳- آوری، پیر، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات عطائی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۴.

۱۴ مرداد امسال مصادف بود با صد و دهمین سالگرد انقلاب مشروطه ایران. (فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ امضاء شد) نهضت مشروطه نقطه عطف تاریخ میهن ماه و سرمنشاء تحولات عظیمی در عرصه های سیاسی، فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی ایران است و از همه مهم تر تجلی روح همبستگی و اتحاد ملت ایران است. کلمه «ملت» در پرتو این نهضت شکل گرفت و «قانون» نیز در ظاهر مبنای نظم و قدرت قرار گرفت.

در سخن گفتن از نهضت مشروطه می توان جوانب گوناگون را مدنظر داشت. هم از تداوم، پیشبرد و تحقق بسیاری از آمال و اهداف نهفته در این نهضت که با پاکدلی و همدلی احاد جامعه ایران به وجود آمد و هم از ناپاکدلی و تفرقه افکنی برخی افراد از درون و بیرون جامعه که باعث مختل شدن تمرکز این نهضت در دستیابی به اهداف اولیه اش شد؛ سخن راند. در این نوشتار قصد ما یاد کردن از تجلی اراده ملت ایران است که حاصلش تلاش مشروطه خواهان آن روز و توفیق آنان در به وجود آوردن نوعی وفاق، همراهی و همدلی در بین ملت برای رسیدن به آمال و آرزوهایش و تأثیر دراز مدت این جریان بر تحولات کشور از سال های قبل و آغازین این تجربه تا کنون می باشد.

بی شک نهضت مشروطه از مهم ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران است که نقش مهمی در ایجاد همبستگی ملت ایران داشته است. جنبش مشروطه در واقع حاصل مطالبات متراکم مردم کشور در طی یک سده بود که به صورت یک جنبش گسترده سیاسی و اجتماعی ظهور و بروز پیدا کرد. از زمانی که جنگ های ایران و روسیه به شکست ایران انجامید، نفوذ سیاسی و اقتصادی قدرت های خارجی (عمدتا روسیه و انگلستان) در سرنوشت کشور روز به روز فزونی گرفت و از طرفی دیگر رشد شهرنشینی و تجارت و به دنبال آن ایجاد اقشار همبسته (اصناف، تجار و شهروندان) که دشمنی مشترک (دولت) و هدفی مشترک داشتند موجب شده تا در نخستین رویارویی حکومت در قیام تنباکو، رمز پیروزی یعنی وحدت کلمه و همبستگی ملی شناخته شود.

در واقع نهضت تنباکو که پانزده سال پیش از نهضت مشروطیت به وقوع پیوست، موجب بیداری و تحرک مردم و مطرح شدن علما و روشنفکران ملی و مذهبی در عرصه سیاست به طور جدی و همه جانبه شد. اینجاست که برای نخستین بار در تاریخ تحولات ایران ملت پا به عرصه گذاشت. خود را باور نمود و احساس کرد که خود او باید درباره سرنوشت خویش تصمیم بگیرد. در حقیقت نتیجه نهایی این حرکات اصلاحی و به ویژه جنبش تنباکو درک حس همبستگی ملی و رمز پیروزی بود و دستاوردهای مهمی نظیر ایجاد انجمن های مخفی و پیوند مشارکتی بازرگانان، روحانیان، روشنفکران و شتاب بخشیدن به گام های اصلاحات را در پی داشت تا حدی که حتی فریاد مشروطه خواهی سر داده شد.

بنابراین رهبران فکری مشروطه نجات و رهایی کشور را، عمل به قانون و پایبندی به اصول قانونی می دانستند. البته شعار اولیه انقلاب مشروطه تشکیل عدالتخانه بود ولی در جریان عمل، این شعار به درخواست مقدمات لازم آن یعنی مشروطیت و تشکیل مجلس قانونگذاری تبدیل شد. چرا که عدالت بدون قانون منصفانه

سجاد رحیمی

از مدرسه سازی تا تیم نوازی



برکت را زیاد می کند خرج کردن آن در راه خدا و گره گشایی از مشکلات خلق خداست. وی در ذکر خاطراتش می گوید: در یکی از روستاهای شهرستان بیرجند مدرسه-ای ساخته بودم که مردم آن بسیار فقیر و زحمت کش بودند، وقتی که مدرسه را افتتاح کردیم مدیر آموزش و پرورش بیرجند یک قالیچه ای را از طرف مردم آن روستا به من هدیه کرد؛ من دیدم این ها با این بضاعت این هدیه گرانبها را برای من تهیه کرده اند، بنابراین صحیح نمی-دانستم آن را بگیرم چرا که با فروش آن گره زیادی از مشکلات آنها باز می شد، اما از طرفی اگر هدیه آنها را نگیرم ممکن است ناراحت و دلگیر شوند؛ بنابراین هدیه را از آنها قبول کردم اما برای جبران محبت هایشان ۲۱ مدرسه در خراسان ساختم و تا عمر دارم در این راه از هیچ خدمتی

پیشگاه خداوند مسئول هستند. سخن گفتن از ویژگی ها، شخصیت و اقدامات خیرخواهانه حاج اکبر ابراهیمی کاری بس دشوار است زیرا از طرفی ایشان زیاد حاضر به سخن گفتن از خود نیستند و از طرفی دیگر دسترسی و گفتگو با وی به علت مشغله کاریشان بس دشوارتر است. او با اینکه تمام عمر خود را وقف مدرسه سازی و امور خیر کرده است؛ اما هنوز خود را بدهکار می داند و معتقد است: شاید هر کس به اندازه استطاعتش حتی یک آجر کمک کند در ساخت مدرسه یا کارهای دیگر ارزش کارش نزد خداوند از ساخت صدها مدرسه بالاتر باشد. یکی از ویژگی های حاج اکبر ابراهیمی شجاعت در بخشندگی است. وی در این زمینه می گوید: همیشه می گویم خدایا به دست دهندگی من برکت بده نه به مالم، چون به مالم برکت داده است؛ اما آنچه این

آنچه از اهل کرم باقی می ماند نام نیک است. به قول حافظ شیرین سخن، بر این رواق زبرد جز نکویی اهل کرم چیزی نخواهد ماند و شیخ اجل نیز در این مورد می گوید: درخت کرم هر کس هر کجایخ کند، شاخ برگ آن از فلک می گذرد. لذا خوان کرم افرادی چون حاج اکبر ابراهیمی آنقدر گسترده و پرآوازه است که نیازی به سخن گفتن از شخصیت ایشان نیست و قلم ما در وصف او به عنوان یکی از قهرمانان واقعی کشور در جبهه فقر، بیسوادی و بیکاری بسیار ناتوان و درمانده است. حاج اکبر ابراهیمی در ارتباط با مسئولیت افراد توانمند در برابر بیسوادی اعتقاد دارد، همه کسانی که دارای ثروت و سرمایه هستند، در قبال بیکاری، بی اخلاقی و جرایمی که منشاء آن بیسوادی است، در

فروگزار نمی‌کنم.

یکی از ویژگی های

حاج اکبر ابراهیمی شجاعت

در بخشندگی است. وی در این زمینه می‌گوید: همیشه می‌گویم خدایا به دست دهندگی من برکت بده نه به مالم، چون به مالم برکت داده است؛ اما آنچه این برکت را زیاد می‌کند خرج کردن آن در راه خدا و گره‌گشایی از مشکلات خلق خدا است.

حاج اکبر ابراهیمی متولد (۱۳۲۳) تهران می‌باشند. وی در سن نوجوانی وارد بازار کار شد و اکنون یکی از کارآفرینان مطرح کشور می‌باشد و کار، جوهره اصلی ایشان است. در حال حاضر وی مدیر یکی از کارخانه‌های بزرگ کشور می‌باشد. طبق اطلاعات کسب شده ایشان معمولاً صبح‌ها در دفتر مرکزی کارخانه واقع در تهران مشغول به کار و مدیریت این کارخانه می‌باشند و عصرها در بنیاد خیریه اش در روستای شلمبه از تابع شهرستان دماوند مشغول به کار هستند.

اما چرا شلمبه و شلمبه کجاست؟ باید گفت: روستای شلمبه روستایست، بسیار زیبا با نسیمی دل‌انگیز و دلنواز که با دستان توانمند اهالی آن آباد شده اما آنچه که این روستا را معروف ساخته کاخ کودکان بی سرپرست (دارالایتام) ساخته دستان توانمند حاج اکبرست که در این روستا احداث شده است.

طبق هماهنگی های صورت گرفته، صبحگاه سه شنبه ۱۹ مردادماه ۹۵ برای گفتگویی کوتاه با حاج اکبر به این روستا مراجعه کردیم. از ترس اینکه به موقع سر قرار نرسیم شبانه راه افتادیم، چون به ما گفته بودند؛ چنانچه سر وقت نرسیم، دیگر نخواهیم توانست او را ملاقات کنیم، زیرا او بسیار وقت شناس است. ما نیز صبح علی طلوع یک ساعت و نیم قبل از ساعت ملاقت مان با حاج اکبر به روستای شلمبه رسیدیم. اما آنچه ما را در این فاصله به خود سرگرم کرد زیبایی روستا و عظمت دارالایتام و کار حاج اکبر بود. قطعاً یکی از اهداف و دغدغه اصلی حاج

اکبر ابراهیمی در ایجاد موسسه دارالایتام شلمبه مبارزه با بیسوادی کودکان بی سرپرست بوده و به همین دلیل در گذشته بخش عمده ای از اقدامات خیرخواهانه این خیر به مدرسه سازی اختصاص یافته است. وی تاکنون نزدیک به ۱۱۰ مدرسه در استان‌های مختلف از جمله استان خراسان جنوبی، خراسان رضوی، تهران، کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، کردستان و کرمان احداث و به نظام تعلیم و تربیت میهن اسلامی اهدا کرده است.

عظمت و زیبایی این مجتمع و کرم، بخشش و گشاده دستی حاج اکبر ابراهیمی حس عجیبی به ما داد. قبل از ساعت ۸ صبح یواش یواش کارکنان شیفت صبح مجتمع از راه می‌رسند، ما همچنان منتظر از راه رسیدن حاج اکبر و دیگر مدیران وی هستیم. رأس ساعت ۸ صبح صدای زنگ و شروع کلاس بچه‌ها به گوش می‌رسد. پس از چند دقیقه کلاس درس بچه‌ها شروع و صدای همخوانی و تمرین آنان با مریبان‌شان شنیده می‌شود. آنچه قابل توجه بود نظم و انضباط حاکم بر این مجتمع است که از در و دیوار آن نمایان بود.

یک ربع به ساعت ملاقات وارد حیاط مجتمع شدیم. نگهبان مجتمع به استقبال مان آمد و ما را از ورود به داخل ساختمان مجتمع باز داشت و از ما سوال کرد که با چه کسی کار داریم؟ در جوابش گفتیم: برای مصاحبه با حاج اکبر ابراهیمی مدیر

مجتمع آمده ایم. وی گفتند: ایشان نیستند با چه کسی هماهنگ کرده‌اید زیرا معمولاً قبل از ظهر در دفتر کارشان در تهران مستقرند و عصرها اینجا می‌آیند، شما اشتباهاً مراجعه کرده‌اید.

حاج اکبر ابراهیمی

در ارتباط با مسئولیت افراد توانمند در برابر بیسوادی اعتقاد دارد، همه کسانی که دارای ثروت و سرمایه هستند، در قبال بیکاری، بی اخلاقی، و جرایمی که منشاء آن بیسوادی است، در پیشگاه خداوند مسئول هستند

بعد از چند دقیقه مدیر دفترشان از راه رسید وی با آقای ابراهیمی تماس گرفتند و سپس گفت که آقای ابراهیمی می‌گویند قرار ملاقاتمان دفتر تهران بوده نه مجتمع شلمبه. در این لحظه بود از آن چیزی که می‌ترسیدم که اتفاق بیفتد اما ناباورانه به وقوع پیوست و همه چیز به پایان رسید. در نتیجه ما باید از راهی که آمده بودیم، برمی‌گشتیم ولی از راهی که پیموده بودیم و به سر منزل مقصود نرسیده بودیم؛ زیاد ناراحت نشدیم زیرا در عوض توانستیم بخشی از کارهای یک انسان نیک اندیش و بخشایش‌گر را از نزدیک ببینیم.



گلستان به سختی نفس می کشد

مهرزاد شفیق پور

شهر گلستان از توابع شهرستان تازه تأسیس بهارستان در حاشیه جنوب غرب شهر تهران در مسیر محور تهران به ساوه در حد فاصل شهرهای اسلام شهر - رباط کریم واقع است. این شهر روزگاری نه چندان دور، روستایی بوده با نام سلطان آباد و در حال، روستا شهری است با همان بافت و شیوه زندگی روستایی اما با درد و رنج های فراوان، زیر بار ۳۰۰ هزار سکنه که امیدشان این آب و خاک است و ناامیدی شان از خیلی چیزها. شهر گلستان به لحاظ قابلیت های رشد و توسعه از یک طرف و نیز فعال بودن مؤلفه های موثر در رشد جمعیت و مهاجرت از طرف دیگر در دهه های اخیر رشد بسیار سریعی را تجربه کرده است. این سکونتگاه طی چند سال اخیر به خاطر نزدیکی بودن به شهر تهران به پهنه گسترده ای از فقر و خوابگاه کارگران مهاجر تبدیل شده است. گلستان یکی از پر تراکم ترین شهرهای کشور به لحاظ جمعیت می باشد. به طوری که در فاصله سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، در مجموع ۱۰۸۶۷۸ نفر به شهر گلستان مهاجرت کرده اند. در ادامه آنچه می خوانید مروری است بر وضع موجود شهر گلستان و انبوهی از مشکلات که گریبان گیر آن شده است.

تانکرهای آب بر روی پشت بام ها حکایت از بی آبی منطقه دارد. جداره بافت محله با نمای غیرمتعارف ناشی از واحدهای مسکونی و ریزدانگی آنها نشان از عدم نظارت در ساخت و سازهای محله و رشد شبانه و بدون برنامه ریزی داشت. آنچه که فضای این بافت را دلگیر و بی روح کرده است، نبود فضای سبز و میلان شهری است. تلفیق بافت مسکونی و صنعتی، نبود بهداشت، نبود سیستم مناسب برای جمع آوری آبهای سطحی و فاضلاب های خانگی و صنعتی، بود بد جوی های آب و مانداب ها از جمله مشکلات زیست محیطی این محله است که به چشم می خورد و زندگی را

ابتدا برای دید و بازدید از محروم ترین نقاط شهر یعنی قلعه میر، میمنت آباد و حاشیه جنوبی رودخانه آن معروف به شادچای (کرج) از سمت سه راه آدران در مسیرجاده قدیم تهران - ساوه وارد محله مسکونی - صنعتی قلعه میر شدیم. وضعیت بغرنج این محله بسیار تأسف برانگیز است. یکی از ویژگی های این محله در هم تنیدگی، ناهموازی و عرض کم معابر آن است به طوری که برخی خیابان هایش کمتر از پنج متر عرض دارند و تردد سواره در سطح معابر آن به سختی شکل می گیرد. آسفالت خیابان ها پر از چاله چوله و برخی نیز خاکی هستند.

محله میمنت آباد در حاشیه رودخانه



ساکنان حاشیه رودخانه از این وضعیت بسیار گله مند هستند و اظهار داشتند که در تمام طول سال بخصوص در فصل گرما بوی بد این فاضلاب بسیار آنان را آزار می دهد و از اینکه در این منطقه زندگی می کنند بسیار شرمگین از خود هستند. یکی از عواقب این وضعیت رواج بیمارهای واگیردار بخصوص در بین کودکان این منطقه است که متأسفانه والدین نیز توجه زیادی به این مسئله ندارند. هم چنین رشد نوزاد در بستر رودخانه موجب شده که این منطقه مأمّن معتادان و افراد بی خانمان شهر شود و این مسئله باعث عدم رضایت ساکنین و کاهش احساس امنیت آنان شده است. با اینکه بخش عمده ای از مسیر رودخانه در سطح شهر کانالیزه و دیوار کشی شده اما هنوز در منتهی الیه محله میمنت آباد نابسامانی این رودخانه عواقب درناکی به بار آورده است.

خانه دار شدن و حس مالکیت

مهم ترین مولفه ای است که خانوارها را متقاعد به زندگی کردن در این نقطه بحران زا کرده

زیرا آنان تمایل دارند که حداقل

صاحب یک واحد مسکونی باشند تا

امنیت اجتماعی را با داشتن این واحد مسکونی بیشتر

احساس کنند. بنابراین داشتن سقف بالای

سر برای یک خانواده ایرانی بسیار

حائز اهمیت می باشد حتی اگر این

خانه در نقطه مخاطره آمیزی چون

بستر این رودخانه باشد.

این رودخانه به علت خشک شدن و رشد بی رویه جمعیت شهر گلستان و عدم نظارت دستگاههای متولی در منطقه میمنت - آباد مورد تعرض افراد سودجو قرار گرفته و این افراد با فروش

برای ساکنین آن دوچندان دشوار ساخته است. همسایگی محله میمنت آباد با محله قلعه میر این دو را به پهنه بزرگی از فقر تبدیل کرده که جنس مشکلات هر دو محله تقریباً مشترک می باشد. از عمده مشکلات این دو محله ناامنی فقر، بیکاری، اعتیاد، کمبود امکانات رفاهی و پایین بودن کیفیت زندگی است که اکثریت ساکنین از وضعیت کنونی زندگی خود ناراضی و نسبت به آینده ناامید بوده که این شرایط خروج از این وضعیت را برای آنان دشوار ساخته است.

با گذر از محله قلعه میر در جهت جنوب با شمال به محله میمنت - آباد می رسیم. در وهله اول آنچه نظر هر بیننده را به خود جلب می کند خیابانها و مغازه هایی است که دوش به دوش هم به نمایشگاه مبلمان خانگی و اداری تبدیل شده اند که نشان از رونق و تولید مبلمان در سطح منطقه دارد. این پدیده خود نقطه امید است برای رونق کار و تجارت در این محله.

مرگ رودخانه و ساخت و ساز غیرقانونی در حاشیه و بستر آن

پس از عبور از مرکز محله به ضلع شمالی محله درحاشیه رودخانه کرج معروف به رود شاد جای خواهی رسید. قبل از دیدن هر چیز در حاشیه این رودخانه بوی بد آن است که به استقبالت می - آید. طی چند دهه گذشته رود کرج یکی از رودهای پرآب دامنه جنوبی البرز بود که از مسیر شهرهای فعلی کرج، شهریار و شهرک های اقماری اکبرآباد (نسیم شهر)، سلطان آباد (گلستان)، حسن آباد عبور کرده و به دریچه نمک در استان قم می ریزد. رودخانه کرج تأمین کننده آب آشامیدنی شهر تهران و آب کشاورزی مناطق همجوار است.

حاشیه نشینی و بستر نشینی

در این نقطه از شهر گلستان همراه با

ساخت و سازهای غیر مهندسی و

نامتعارف چهره زشتی به شهر داده و در بعضی جاها

از زاغه نشینی بدتر می باشد. بیشتر این ساختمان ها با

متراژی کمتر از ۵۰ متر بنا شده اند و

از استحکامات لازم برخوردار نیستند.

بنابراین ساخت و سازهای غیرقانونی در حاشیه

و بستر این رودخانه ایجاد مسئله کرده و این

خود هشدار دهنده یک بحران بزرگ

برای خانواده های

ساکن این منطقه است.

این رودخانه در گذشته تمامی باغهای شهر کرج و منطقه بیلاقی سرحدآباد، شهریار و ... را آبیاری می نمود ولی در چند سال اخیر به دلیل رشد جمعیت و مصرف بی رویه آب در کلانشهر تهران، بخش عمده آب این رودخانه برای مصرف آشامیدنی به تهران منتقل می شود و بخشی نیز صرف مصارف کشاورزی می گردد اما در حال آنچه بی نصیب است خود رودخانه است. متأسفانه در حال حاضر این رودخانه به دلیل مهار بخشی عظیمی از آبش توسط سد امیرکبیر و استقرار واحدهای خدماتی، اراضی کشاورزی، مراکز مسکونی شهری و روستایی اطراف آن، ورود انواع فاضلابهای شهری و کشاورزی در حوزه پایین دست آن در محله میمنت آباد به میرآب و یک مسیل متعفن تبدیل شده است.



خانه های در معرض سیل واقع در حاشیه و بستر رودخانه شاد جای (کرج)

کیفیت برخی از خانه های ساخته شده در
حاشیه رودخانه



وضعیت بهداشت در حاشیه رودخانه

وضعیت عملکرد آنها ناراضی هستند.
**به هر حال امروزه تراکم بالای جمعیت و توده نسبت به
فضا، در هم تنیدگی بافت و پایین بودن عرض معابر
و ترافیک کلافه کننده در برخی ساعات روز،
آلودگی های زیست محیطی و ...
بیش از گذشته جریان زندگی
در شهر گلستان را با سختی
مواجه کرده است.
از جمله عمده ترین
مشکلات این شهر کمبود امکانات
و خدمات شهری و زیر ساختی است
که به وضوح قابل دیدن هستند و در اغلب
گفتگوها ساکنین علت مشکلات و نابسامانی ها را
شهرداری و سایر دستگاهها می دانند. به همین خاطر به
شدت از وضعیت عملکرد آنها ناراضی هستند.**

کمبود سرانه های آموزشی، فرهنگی، تفریحی، ورزشی، بهداشتی-
درمانی، انتظامی، تجاری، اداری، خدماتی، فضای سبز، ضعف
خدمات زیرساختی خصوصاً کمبود آب شرب و پایین بودن کیفیت
آن، وجود کارگاههای مزاحم و پرسروصدا در درون برخی محلات
شهر، ناهمواری و نفوذناپذیری معابر، سیستم نامناسب جمع آوری
آبهای سطحی و آبگرفتگی معابر، ساخت و سازهای غیراصولی
خصوصاً در حاشیه و بستر رودخانه، سیستم نامناسب جمع آوری
پسماند، دیو شدن زباله و فضولات دامی در فضاهای بی پناه در
درون برخی محلات و رشد انواع حیوانات موذی در آنها، لایروبی
نامناسب جوی های آب و تبدیل شدن آنها به مانداب و رشد انواع
حشره، حیوانات موذی و انواع باکتریها در آنها، ضعف سیستم
حمل و نقل عمومی، نبود مراکز خرید، تراکم بالای جمعیت،
مهاجرپذیری بالا، گسترش فقر، بیکاری، ناامنی و کج رویهای
اجتماعی، رواج مشاغل کاذب و دون پایه، ریزدانی و ناپایداری
واحدهای مسکونی، سیمای نامناسب و درهم تنیدگی بافت شهر و
... دنیای از مشکلات و مسائل شهر گلستان است که نفس آن را به
شماره انداخته است.

بستر رودخانه به خانوارهای مهاجر و فقیر موجب ساخت و ساز
غیرقانونی در حاشیه و بستر آن شدند. در گفتگو با یکی از مالکین
واحدهای مسکونی ساخته شده در کف رودخانه پرسیدیم که آیا
زمین ملک خود را تصرف کرده یا خیر؟ که در جواب گفتند:
زمین خانه اش که ۶۰ متر زیربنا دارد از شخصی به قیمت هر متر
مربع ۲۰۰ هزار تومان خریداری نموده است.

با این اوصاف خانه دار شدن و حس مالکیت مهم ترین مولفه ای
است که خانوارها را متقاعد به زندگی کردن در این نقطه بحران
زا کرده زیرا آنان تمایل دارند که حداقل صاحب یک واحد
مسکونی باشند تا امنیت اجتماعی را با داشتن این واحد مسکونی
بیشتر احساس کنند. بنابراین داشتن سقف بالای سر برای یک
خانواده ایرانی بسیار حائز اهمیت می باشد حتی اگر این خانه در
نقطه مخاطره آمیزی چون بستر این رودخانه باشد.

حاشیه نشینی و بسترنشینی در این نقطه از شهر گلستان همراه با
ساخت و سازهای غیر مهندسی و نامتعارف، چهره زشتی به شهر
داده و در بعضی جاها از زاغه نشینی بدتر می باشد. بیشتر این
ساختمان ها با متراژی کمتر از ۵۰ متر بنا شده اند و از استحکامات
لازم برخوردار نیستند. بنابراین ساخت و سازهای غیرقانونی در
حاشیه و بستر این رودخانه ایجاد مسئله کرده و این خود هشدار
دهنده یک بحران بزرگ برای خانواده های ساکن این منطقه
است.

پس از محله میمنت آباد برای دید و بازدید از سایر نقاط شهر به
ضلع شمالی رودخانه شادچای و محله سلطان آباد (هسته اصلی
شهر گلستان) مراجعه نمودیم. جنس مشکلات این محلات نیز
شبه مشکلات محلاتی است که در سطرهای قبلی به آن اشاره
گردید. به هر حال امروزه تراکم بالای جمعیت و توده نسبت به
فضا، در هم تنیدگی بافت، پایین بودن عرض معابر و ترافیک
کلافه کننده در برخی ساعات روز، آلودگی های زیست محیطی و
... بیش از گذشته جریان زندگی در شهر گلستان را با سختی مواجه
کرده است. از جمله عمده ترین مشکلات این شهر کمبود امکانات
و خدمات شهری و زیر ساختی است که به وضوح قابل دیدن
هستند و در اغلب گفتگوها ساکنین علت مشکلات و نابسامانی ها
را شهرداری و سایر دستگاهها می دانند. به همین خاطر به شدت از

مدارا، حذف یا باز آفرینی پدیده اتاق نشیمن در محله هرندی تهران

(بخش دوم)

علی برکاتی، علی زارع و مهرزاد شفیع پور

نرخ اشتغال و بیکاری اتاق نشیمن

اشتغال و بیکاری از جمله موضوعات مهم اقتصادی هر کشوری است. به گونه ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری، به عنوان شاخص توسعه یافتگی جوامع تلقی می شود. نرخ بیکاری یکی از شاخص هایی است که برای ارزیابی شرایط اقتصادی کشور مورد استفاده قرار می گیرد.

مقایسه نیروی کار اتاق نشیمن با محدوده بلوک قالیشوها و کل کشور به طور همزمان در اواسط بهار ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفته اند که نتایج یافته ها حاکی از این است که نرخ بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر اتاق نشیمن (۶/۳ درصد) نسبت به محدوده بلوک قالیشوها (۱۹/۶ درصد) و کل کشور (۱۰/۸ درصد) پایین تر است.

گروههای درآمدی

پایه و اساس کیفیت زندگی یک خانوار وابسته به میزان درآمد آن است. نقش این مولفه در پایین یا بالا بودن سطح و شیوه زندگی خانوارها بر هیچ کس پوشیده نیست. به میزان ارتقاء درآمد خانوار در این سکونتگاهها سطح زندگی، شیوه زیستن، بهداشت، سلامت و مسکن آن نیز ارتقاء پیدا می کند.

در این تحقیق میزان درآمد ماهانه سرپرست خانوار و سایر اعضای خانوار مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج یافته ها حاکی از این است که متوسط درآمد ماهانه یک خانوار اتاق نشیمن (یک میلیون ۳۸۰ هزار تومان) در محدوده بلوک قالیشوها در سال ۱۳۹۴ (ضمن گذر زمان و افزایش نرخ تورم) با متوسط درآمد ماهانه یک خانوار شهری کشور (یک میلیون ۸۵ هزار تومان) در سال ۱۳۹۰ تفاوت فاحشی دارد.

گروههای شغلی

معمولاً در مناطق فرودست شهری وضع تخصص و مهارت نیروی کار به نسبت سطح شهر پایین بوده و اغلب ساکنین آنها به لحاظ شغلی جزء اقشار رده پایین جامعه محسوب می شوند. اکثر اتاق نشیمن در مشاغل رده پایین و در گروه های شغلی چون دستفروشان و باربران، کارگران فصلی و ساده ساختمان و شاغلان در صنعت،

ساخت، تراشکاری، خیاطی، کفاشی، بسته بندی و... هستند. از کل نیروی کار شاغل در محدوده، ۳۹/۲ درصد شاغل در گروه دستفروشان و باربران، ۱۰/۱ درصد شاغلان در صنعت، ساخت، تراشکاری، خیاطی، کفاشی، بسته بندی و...، ۹/۵ درصد شاغلان در حمل و نقل و انباری داری، راننده وسایل نقلیه عمومی و پیک موتوری و ۹/۵ درصد کارگران فصلی و ساده ساختمان هستند.

نحوه تصرف واحد مسکونی توسط اتاق نشیمن

شرایط اقتصادی - اجتماعی به عنوان مؤثرترین عوامل در نحوه تصرف ملک یا واحد مسکونی محسوب می شوند. در سال ۱۳۹۴ حدود ۸۳/۵ اتاق نشیمن محدوده بلوک قالیشوها مستأجر، ۱۲ درصد مالک و ۴/۴ درصد شامل سایر تصرفات می باشد. بنابراین وضعیت مسکن در این محله به لحاظ نحوه تصرف مسکن ملکی در مقایسه با کل کشور (۶۲/۲ درصد) در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.

اینگونه اجتماعات همواره درگیر مسائلی هستند که این مسائل بخشی از توان ایشان را برای زندگی توانمند می گیرد. این مسائل گاهی چنان در هم تنیده می شود که برون رفت از آن مستلزم مداخله و مدیریت منسجم است. نوع این مسائل در جوامع مختلف متفاوت است و ترکیب آن نیز دچار نسبیتهای مختلف است. این نسبیتهای نوع تعامل با این مسائل را نسبی کرده و مدیریت آنها را مشکل می سازد. بنابراین هرگونه اقدام عمرانی، اقتصادی و اجتماعی در ساماندهی پدیده اتاق نشیمن مستلزم بررسی مشکلات و راه حل های آن از دید خود کسانی است که در این خانه ها زندگی می کنند. از طرفی مشکلات و مسائل این پدیده با زندگی عمومی مردم محله ارتباط دارد و کل سکنه محله را تحت تأثیر قرار داده است.

پاره ای از این مسائل همان مسائلی هستند که مبتلا به خانوارهاست و در سطح دیگر، جامعه بزرگ تر را مبتلا کرده است. فقر معیشتی و پایین بودن کیفیت زندگی، عدم

تحرك اقتصادی - اجتماعی در اکثریت خانوارها، بدتر شدن وضعیت زندگی اکثریت خانوارها نسبت به گذشته و ناامیدی نسبت به آینده، تورم افسار گسیخته، کمبود درآمد و اشتغال ناپایدار، بزه، فقر فرهنگی، بیکاری، اعتیاد، گسست خانواده ها و پدیده طلاق، بیسوادی و عدم آشنایی با حقوق فردی و شهروندی، نبود بهداشت و سلامت، تراکم بالای خانوارها در واحدهای مسکونی، کمبود اتاق در اختیار خانوارها، کیفیت پایین مسکن و کمبود زیرساخت های آن چون نبود سرویس بهداشتی، حمام و آشپزخانه از جمله مهمترین مشکلات این خانوارهاست. همچنین رواج آسیبهای اجتماعی چون فروش مواد مخدر، کارتون خوابی، روسپیگری، قماربازی، کودکان خیابانی و... در سطح محدوده با زندگی اجتماعی این خانوارها گره خورده و پدیده اتاق نشیمن را به مأمی برای مجرمان و آسیب دیدگان اجتماعی تبدیل کرده است. بنابراین وضع موجود همواره انعکاس خود را در درون خانوارها و محله و سایر محلات شهر تهران نشان داده است.

لیکن در زمستان ۱۳۹۴ کارشناسان طرح برای ساماندهی و بهبود کیفیت زندگی اتاق نشیمن محدوده بلوک قالیشوها واقع در محله هرندی تهران که هدف اصلی طرح مذکور می باشد، یک برنامه مدون با اقدامات اجرایی مناسب به صورت کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در چهارچوب راهبردهای زیر تهیه کرده و برای اجرا به مجموعه مدیریت شهر تهران ارائه نمود که راهبردهای آن به شرح زیر می باشند.

- ۱- ظرفیت سازی، اطلاع رسانی و برگزاری دورههای آموزش عمومی پیرامون نوسازی و بازسازی واحدهای مسکونی اتاق نشیمن؛
- ۲- نوسازی و بهبود کیفیت زیرساختهای مسکونی در صورت مقاوم بودن واحدهای مسکونی و شرایط مساعد برای سکونت؛
- ۳- تفکیک خانوارها و جابجایی اجباری و داوطلبانه برخی از خانوارهای ساکن واحدهای مسکونی ناپایدار؛
- ۴- بازسازی تمامی واحدهای مسکونی اتاق نشیمن در سطح محدوده بلوک قالیشوها؛
- ۵- توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی خانوارهای اتاق نشیمن به عنوان برنامه های پشتیبان طرح.

مهرزاد شفیعی پور

اثرات سوء پدیده غم انگیز طلاق

طلاق یک مسئله اجتماعی غم انگیز است که اثرات سوء اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... از خود بر جای می گذارد. امروزه موضوع طلاق به عنوان یکی از آسیب های اجتماعی قابل شیوع در جامعه ایران مطرح می باشد. این موضوع ریشه در تغییر و تحولات گوناگون فرهنگی، اجتماعی و نظام خانواده ایران دارد. با پیچیده تر شدن زندگی و تغییرات الگوی زندگی جامعه امروز ایران، سطح طلاق نیز شدت یافته است.

تعریف طلاق:

طلاق در لغت به معنای رها کردن و آزاد کردن و به لحاظ مفهوم جامعه شناسی در اصطلاح به معنای گسستن پیوند ازدواج و یا زناشویی می باشد. «طلاق را می توان شیوه نهادی شده و تحت نظارت سازمان های اجتماعی در راه پایان به پیوند زناشویی دانست. به عبارت دیگر، طلاق خاتمه دادن به پیوند زناشویی تحت شرایط خاص قانونی، شرعی و عرفی است که پس از آن زن و شوهر نسبت به یکدیگر حقوق و تکالیفی ندارند (پیران، ۱۳۶۹)». (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۳)

علیرغم این که طلاق در گذشته نزد اکثریت جامعه ایران امر مذموم و قبیح و در عین حال وحشت آور تلقی می شد اما امروزه می بینیم که طلاق امر رایجی شده که به مدد آن، افراد خود را از وضعیت موجود رها می کنند به طوری که نسل امروز ما نسبت به گذشته از این پدیده وحشت و اضطراب خاصی به خود راه نمی دهد و این امر در حال جا افتادن در جامعه ایران امروزی است.

در زمینه طلاق در ایران تحقیقات متعددی انجام پذیرفته است. گستردگی و پراکندگی تحقیقات در حوزه های مختلف از یک سو و همچنین رواج تحلیل های غیر علمی در فضایی مغشوش از سوی دیگر سبب شده که چشم انداز و تصویر منسجمی از داده ها و یافته های علمی در حوزه پیامدها و آثار طلاق وجود نداشته باشد. به هر

حال طلاق دارای آثار و پیامدهای عمیق اجتماعی، اقتصادی، روانی و ... بر مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و اجتماع است. طبق تحقیقات مورد مطالعه و اعمال نظرات کارشناسی، پیامدهای اجتماعی پدیده طلاق را می توان خلاصه وار به شرح ذیل بیان کرد.

۱- «بسیاری از بررسی های انجام شده از رابطه طلاق با اعتیاد، جرم و بزهکاری، روان پریشی، عدم تعادل شخصیتی، مسائل آموزشی و تربیتی، خودکشی، جامعه ستیزی، مانع نقش آفرینی زنان و به حاشیه راندن آنان در توسعه و نظایر آن حکایت میکند» (همان، ۱۳۹۰: ۱۱۲)

۲- «بر اساس برخی از تحقیقات، افراد طلاق گرفته بیشتر از افراد متأهل دچار اختلالات جسمی و روحی از جمله اعتیاد به مشروبات الکلی، خودکشی، و ضعف قوای ذهنی می شوند و رضایت کمتری از زندگی دارند. (کالان و نولر، ۱۹۸۷) و همچنین دومینان و دیگران (۱۹۹۱) شواهد مفصل و ارزشمندی ارائه کرده اند که نشان می دهد از هم پاشیدگی زندگی مشترک با مجموعه گسترده ای از شاخص های سلامتی در ارتباط است. (برناردز، ۱۳۸۴)». (همان)

طلاق یعنی سقوط اخلاق انسانی

و کاهش امنیت

در روابط انسانی

و قداست زدایی از امر ازدواج

که دیگر پیوندی مقدس نیست

بلکه رابطه ای است

مانند سایر روابط اجتماعی

که می تواند به سادگی قطع شود.

۳- «نتایج بررسی دیگری، حاکی از آن است که اگر پس از طلاق مسئولیت های اقتصادی و تأمین نیازهای فرزندان بر دوش مادر سنگینی کند، خطر افت تحصیلی، افزایش رفتارهای بزهکارانه و مشکلات بهداشت روانی مادر و فرزندان افزایش می

یابد.» (همان)

۴- شایان ذکر است که آثار و عوارض طلاق تنها به مسائل اقتصادی منتهی نمی شود. بلکه از عوارض اجتماعی و روانشناختی آن هم نباید غافل بود و در برخی موارد هزینه هایی را به جامعه تحمیل می کند؛ از جمله آنها هزینه های است که برای کنترل و پیشگیری جرایم و بزههای اجتماعی به وجود آمده از طلاق، توسط جامعه پرداخت می شود. با مرور مطالعات انجام شده در ایران، می توان پیامدها و آثار طلاق را در سه حوزه طبقه بندی کرد: ۱- پیامدهای اقتصادی ۲- پیامدهای اجتماعی ۳- پیامدهای روانشناختی. (همان، صص ۱۱۳ و ۱۱۴)

بسیاری از بررسی های

انجام شده از رابطه طلاق با اعتیاد،

جرم و بزهکاری، روان پریشی،

عدم تعادل شخصیتی، مسائل

آموزشی و تربیتی، خودکشی،

جامعه ستیزی، مانع نقش آفرینی

زنان و به حاشیه راندن آنان در

توسعه و نظایر آن حکایت می کند

بنابراین هر یک از این پیامدها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر دیگری تأثیر دارند. در نمودار و جدول زیر آثار و پیامدهای طلاق به تفکیک حوزه های اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی آمده است.»

در جدول زیر فراوانی هریک از سطوح پیامدهای طلاق به تفکیک مقولات آن آمده است. به طور کلی بیشترین پیامدهای طلاق ابتدا در سطح اجتماعی (۴۸/۰۱ درصد)، سپس روانشناختی (۴۰/۸ درصد) و در نهایت اقتصادی (۱۱ درصد) مشخص گردیده.

همان گونه که در جدول مشاهده می شود، اختلالات رفتاری و روانی در کودکان (۲۵/۹ درصد) به عنوان یک پیامد روانشناختی، بیشترین پیامدی بوده که در پژوهش ها به آن اشاره شده است. پس از اختلالات روانی و رفتاری کودکان، کودک آزاری به عنوان پیامد اجتماعی

جدول شماره ۱: یافته های مربوط به پیامدهای طلاق در پژوهش های داخلی ایران

درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	پیامدهای طلاق	
۱۱/۱	۳	۱۱/۱	۳		اقتصادی
۴۸/۱	۱۳	۱۸/۵	۵	کودک آزاری	اجتماعی
		۱۱/۱	۳	آسیب های اجتماعی کودکان و نوجوانان	
		۷/۴	۲	سوء مصرف مواد	
		۳/۷	۱	حضانت و تربیت فرزندان	
		۳/۷	۱	خودکشی کودکان	
		۳/۷	۱	عدم امنیت اجتماعی زنان	
۴۰/۸	۱۱	۲۵/۹	۷	اختلالات رفتاری و روانی کودکان	روانشناختی
		۱۴/۸	۴	تأثیرات روانی بر مطلقین بر اساس جنسیت	
۱۰۰	۲۷	۱۰۰	۲۷		مجموع

مأخذ: نشریه، زن در توسعه و سیاست، دوره ۹ شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰

علیرغم این که طلاق در گذشته نزد اکثریت جامعه ایران امر مذموم و قبیح و در عین حال وحشت آور تلقی می شد اما امروزه می بینیم که طلاق امر رایجی شده که به مدد آن، افراد خود را از وضعیت موجود رها می کنند به طوری که نسل امروز ما نسبت به گذشته از این پدیده وحشت و اضطراب خاصی به خود راه نمی دهد و این امر در حال جا افتادن در جامعه ایران امروزی است.

۹-۳. افزایش سرقت؛
۹-۴. انحرافات جنسی و بی بندوباری اجتماعی؛
۹-۵. فرار کودکان از خانه و افزایش کودکان خیابانی و کودکان کار؛
۱۰-۱. بی سرپرستی کودکان و تأثیر بد بر وضعیت روحی و روانی آنان هم چون پرخاشگری، ناسازگاری و کاهش اعتماد به نفس و افت تحصیلی در بین آنها.
۱۱-۱. کاهش میل به ازدواج در دیگر افراد خانواده به ویژه بچه های طلاق.
۱۲-۱. افزایش جرایم اجتماعی، تزلزل اجتماعی و عدم ثبات جامعه، افزایش هزینه های اجتماعی برای جلوگیری و کنترل جرایم، ناهنجاری ها و انحرافات ناشی از طلاق.

طلاق، دومین موردی است که ۱۸/۵ درصد تحقیقات به آن اشاره کرده اند. همچنین مقوله تأثیرات روانی طلاق بر مطلقین بر اساس جنسیت با ۱۴/۸ درصد، سومین مورد از پیامدهای طلاق در تحقیقات مرور شده را شامل می شود. (همان: صص ۱۲۵ و ۱۲۶)

۵- سقوط اخلاق انسانی و کاهش امنیت در روابط انسانی و همچنین قداست زدایی از امر ازدواج که دیگر پیوندی مقدس نیست بلکه رابطه ای است مانند سایر روابط اجتماعی که می تواند به سادگی قطع شود. (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۱۴).

۶- رواج فردگرایی مفرط در برابر حیات جمع (اعم از خانواده یا جامعه) که موجب حیات یکپارچه اعضا است. (همان: صص ۶۷).

۷- گسترش خودکشی که از نظر آماری قابل سنجش است. (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۱۸)
۸- تهدید نهاد خانواده به عنوان بنیادی ترین نهاد اجتماعی و تغییر در ارزش های آن.

۹- زمینه ساز آسیب ها و کجروی های اجتماعی.

۹-۱. گرایش به اعتیاد در بین زنان و مردان مطلقه و کودکان طلاق؛

۹-۲. کاهش توان اقتصادی زنان مطلقه و روی آوردن برخی به روسپیگری؛

بر اساس برخی از تحقیقات، افراد طلاق گرفته بیشتر از افراد متأهل دچار اختلالات جسمی و روحی از جمله اعتیاد به مشروبات الکلی، خودکشی، و ضعف قوای ذهنی می شوند و رضایت کمتری از زندگی دارند.

منابع:

۱. گلانتری، عبدالحسن، پیام روشن فکر و جلوه جواهری، آثار و پیامدهای طلاق، نشریه، زن در توسعه و سیاست، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۳.
۲. ساروخانی، باقر، طلاق پژوهی در شناخت واقعیت و عوامل آن، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۳. رفیع پور، فرامرز، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، انتشارات سروش، ۱۳۷۸.

جامعه خیرین مدرسه ساز کشور یاوران نظام تعلیم و تربیت

مجید پیروزان

مدرسه ساز در ایران به دورانی باز می‌گردد که مدارس چند نوبته از جمله مشکلات اساسی نظام آموزشی کشور محسوب می‌شد. همین احساس نیاز ضرورت تأسیس نهاد خیرین مدرسه ساز را دو چندان نمود به همین دلیل اصل تشکیل جامعه خیرین مدرسه ساز در پاسخ به نیاز جامعه برای ساخت مدارس جدید و رفع مشکلات این بخش ارزیابی می‌شود و البته برآوردها نشان می‌دهد در این عرصه عملکرد موفقیت‌آمیزی داشته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بالغ بر ۵۰۰ هزار کلاس درس از سوی سازمان نوسازی مدارس در سطح کشور ساخته شده است که حدود ۲۰ درصد این فضاهای آموزشی با مشارکت خیرین مدرسه ساز انجام شده است.

چشم انداز

عملکرد مناسب جامعه خیرین مدرسه ساز به عنوان یک نهاد مردمی کارآمد در رشد شاخص‌های آموزشی کشور طی سالهای گذشته جایگاه این مجموعه خیر اندیش را در نظام برنامه ریزی کشور ارتقاء بخشیده است. به نحوی که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۰ که به عنوان مهمترین سند فرادست وزارت آموزش و پرورش به عنوان یک راهبرد اساسی در تحقق اهداف وزارت آموزش و پرورش تأکید شده است. بنابراین نظام برنامه ریزی کشور بر استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی در عملکرد نظام تعلیم و تربیت نگاه راهبردی دارد و این مأموریت مهم را به صورت داوطلبانه، جامعه خیرین مدرسه ساز بر عهده گرفته است که اقدامی قابل تقدیر و افتخار آفرین به شمار می‌آید.

جامعه خیرین مدرسه ساز

طی سالهای اخیر با مشارکت در ساخت فضاهای آموزشی کشور به لحاظ اقتصادی، یاری رسان نظام آموزشی کشور بوده است که اقدامی قابل توجه به شمار می‌آید و از طرف دیگر با ترویج تفکر و اندیشه مدرسه سازی، تأثیر اساسی در توسعه فرهنگی کشور و رونق فعالیتهای خیرین داشته است.

عملکرد

نقطه عطف مقطع شکل‌گیری جامعه خیرین

تأسیس و راه‌اندازی مجامع خیرین مدرسه ساز استانی نمود.

افزایش شناخت و آگاهی مردم از اهداف این نهاد موجب افزایش فعالیتهای آن شد و به سرعت جایگاه خود را به عنوان یک نهاد خیر اندیش در جهت رفع مشکلات و کمبودهای مربوط به فضاهای آموزشی بدست آورد. تعامل مستمر جامعه خیرین مدرسه ساز و وزارت آموزش و پرورش به عنوان متولی نظام آموزشی کشور و سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس به عنوان دستگاه تخصصی در ساخت و تجهیز مدارس یکی از دلایل اصلی موفقیت این نهاد مردمی در تحقق اهداف خود بوده است.

طی ۱۸ سال که از تأسیس جامعه خیرین مدرسه ساز کشور سپری شده است، همواره سه هدف اصلی در دستور فعالیتهای آن قرار داشته است:

- ۱- ساخت و توسعه فضاهای آموزشی؛
- ۲- اشاعه و گسترش فرهنگ نیکوکاری و مدرسه سازی؛
- ۳- تجلیل و تکریم از اقدامات ارزشمند خیرین و نیکوکاران.

بنابراین جامعه خیرین مدرسه ساز با شناسایی و جذب نیکوکاران علاقه‌مند به مشارکت در ساخت مدرسه و فضاهای پرورشی و ورزشی کوشیده است تا استانداردهای آموزشی لازم برای رشد شاخصهای آموزشی کشور را ارتقاء بخشد و از منظر کارشناسان و صاحب نظران در این عرصه کارنامه قابل قبولی را به جای گذارد.

به بیان دیگر جامعه خیرین مدرسه ساز طی سالهای اخیر با مشارکت در ساخت فضاهای آموزشی کشور به لحاظ اقتصادی یاری رسان نظام آموزشی کشور بوده است که اقدامی قابل توجه به شمار می‌آید و از طرف دیگر با ترویج تفکر و اندیشه مدرسه سازی، تأثیر اساسی در توسعه فرهنگی کشور و رونق فعالیتهای خیرین داشته است.

ایران کشوری با قدمت چندین هزار ساله همواره نشانه‌های بزرگی را با خود همراه داشته و علم و دانش در نزد ایرانیان جایگاهی رفیع و قابل توجه داشته است و ایرانیان همواره به هنر و دانش مزین بوده‌اند. اصولاً جامعه ایرانی جامعه‌ای بهره‌مند از فرهنگ و ارزش‌های والای انسانی بوده است و این همه مرهون اهتمام ایرانیان به علم و دانش و تعلیم و تربیت بوده است.

جامعه ایرانی در کنار علاقه‌مندی به دانش، جامعه‌ای نیکوکار نیز هست، جامعه‌ای که به مصداق کلام سعدی شاعر بلند آوازه ایرانی اعضای یک پیکرند. خیرین مدرسه ساز از مصادیق نیکوکاری و نیک اندیشی در جامعه ایرانی هستند. انسانهای بزرگی که در راه اشاعه علم و دانش و فراهم آوردن زمینه‌های رشد و توسعه فرهنگ این سرزمین نقش آفرین بوده‌اند و از این جایگاه ارزشمند بهره‌مند شده‌اند.

تاریخچه ساخت مدارس در ایران قدمتی چند هزار ساله دارد. مدرسه در طول تاریخ ایران از ارکان اصلی ساختار اجتماعی، فرهنگی جامعه ایرانی به شمار آمده است. نقش اصلی در ساخت مدارس در ایران را آحاد مردم بر عهده داشته‌اند و در لابلای کتب تاریخی می‌توان نقش گروههای مختلف اجتماعی در ساخت و اداره مدارس ایرانی را جستجو کرد.

از میرزا حسین خان رشیدی تا جبار باغچه‌بان که بانی تأسیس و راه‌اندازی مدارس جدید در دوران معاصر ایران بوده‌اند. تا سالهای اخیر که خیرین مدرسه ساز یک نهاد مردمی کارآمد برای مشارکت در ساخت توسعه و تجهیز فضاهای آموزشی را تشکیل دادند؛ همگی بیانگر آن است که مردم، در رشد نظام تعلیم و تربیت ایفاگر نقش اساسی بوده‌اند.

جامعه خیرین مدرسه ساز کشور از سال ۱۳۷۸ به همت گروهی از نیکوکاران ایرانی تأسیس شد این نهاد مردمی در تعامل هدفمند با وزارت آموزش و پرورش به سرعت در مسیر کارآمدی قرار گرفت و در تمامی استان‌های کشور اقدام به

مجمع خیرین مدرسه ساز شهرستانهای استان تهران

گامی در راستای توسعه و اعتلای آموزش استان و کشور

هادی بلالی

مجمع خیرین مدرسه ساز شهرستانهای استان تهران با هدف رشد کمی و کیفی سطح آموزش و پرورش با توجه به لزوم شناخت نیازهای واقعی مناطق تابعه در خصوص ساخت و سازهای خیرین نیک اندیش و بسط و توسعه عدالت توزیع فضاهای آموزشی در مجموعه شهرستانهای استان تهران در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۸ با مجوز از استانداری تهران به طور رسمی آغاز به کار کرد. این مجمع با بکارگیری مساعدت تمامی خیرین عزیز، مسئولین و همه خدمتگزاران عرصه تعلیم و تربیت و خصوصاً دانش آموزان مهرورز جوان و فرهنگیان فرهیخته خیر، در راستای تحقق این شعار بزرگ که همانا مدرسه سازی خود جهادی مقدس است، گام برمی دارد.

سازمان آموزش و پرورش شهرستانهای تهران دارای ۱۹ منطقه و قریب ۸۵۳ هزار نفر دانش آموز می باشد و به علت مهاجرپذیری اغلب مدارس شهرستانهای تابعه دو نوبته بوده و بسیاری از فضاهای آموزشی آن فرسوده و تخریبی و دارای قدمت بالایی هستند و به علت مسائل و مشکلات متعدد و به منظور پیگیری و نظارت بیشتر در احداث فضاهای آموزشی، بر اساس مصوبه هیئت مدیره محترم جامعه خیرین کشور مجمع خیرین استان تهران به دو مجمع (مجمع خیرین مدرسه ساز شهر تهران و به مجمع خیرین شهرستانهای استان تهران) تفکیک گردیده است. طبق اساسنامه مجمع، اهداف و کلیات آن به شرح زیر می باشد:

- ۱- اشاعه و گسترش فرهنگ اسلامی الباقیات و الصالحات در جامعه و بهره گیری در جهت ساخت مدارس
 - ۲- نظارت بر حسن انجام نظریات و اهداف شرعیه خیرین در طول حیات خیر و بعد از آن
 - ۳- ایجاد زمینه های مناسب حمایتی (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) جهت تداوم امور خیرین در ساخت مدارس
 - ۴- برنامه ریزی و سازماندهی برای جذب کمک های مردمی و دولتی و غیره در جهت احداث مدارس مورد نیاز آموزش و پرورش
 - ۵- نظارت بر حسن انجام فعالیت های آموزشی و پرورشی مدارس خیر ساز که به صورت هیئت امنایی اداره می شوند.
 - ۶- نظارت به منظور حسن احداث پروژه های خیر ساز با همکاری اداره کل نوسازی استان
- مضافاً اینکه فعلاً در مناطق تابعه سازمان آموزش و پرورش شهرستان های استان تهران هشت مجمع خیرین مدرسه ساز تشکیل و در امور مدرسه سازی فعالیت می نمایند که عبارتند از:



- ۱- مجمع خیرین مدرسه ساز شهرستان ری (ری- فشافویه- کهریزک)
- ۲- مجمع خیرین مدرسه ساز شهرستان پاکدشت
- ۳- مجمع خیرین مدرسه ساز شهرستان ورامین (قرچک- ورامین- جوادآباد- پیشوا)
- ۴- مجمع خیرین مدرسه ساز شهرستان دماوند
- ۵- مجمع خیرین مدرسه ساز شهرستان رباط کریم (رباط کریم- بوستان و گلستان)
- ۶- مجمع خیرین مدرسه ساز شهرستان شهریار (شهریار- شهرقدس)
- ۷- مجمع خیرین مدرسه ساز شهرستان ملارد
- ۸- مجمع خیرین مدرسه ساز شهرستان اسلام شهر (اسلام شهر- چهاردانگه)

اعضای مجمع

- ۱- حاج سید هادی موجانی قمی (رئیس هیئت مدیره)
- ۲- حاج اکبر ابراهیمی (نائب رئیس هیئت مدیره)
- ۳- حاج علی اصغر میرزائی (خزانه دار)
- ۴- جعفر شریعتی (عضو اصلی هیئت مدیره)
- ۵- حاج سید علی محمد ابوبی (عضو اصلی هیئت مدیره)
- ۶- حاج محمود تقی زاده شوردستانی (عضو اصلی هیئت مدیره)
- ۷- حاج هدایت الله نورانی پور (عضو اصلی هیئت مدیره)
- ۸- دکتر عبدالرضا فولادوند راد (عضو اصلی و مدیر کل آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران)
- ۹- مهندس داریوش ورناصری (عضو اصلی و مدیر کل نوسازی و تجهیز مدارس استان تهران)
- ۱۰- حاج مهدی باقری چیمه (عضو علی البدل هیئت مدیره)
- ۱۱- حاج حسین خدام (عضو علی البدل هیئت مدیره)
- ۱۲- حاج محسن بهارلو (بازرس اصلی هیئت مدیره)
- ۱۳- حاج محمدرضا دهقان نیری (بازرس علی البدل هیئت مدیره)
- ۱۴- مجید پیروزان (مدیرعامل)



**مجمع خیرین مدرسه ساز
شهرستانهای استان تهران**

مجمع خیرین مدرسه ساز کشور
شماره ثبت: ۳۶۲۵۸

آماده دریافت کمکهای مردمی جهت ساخت و ساز مدارس خیر ساز به
شماره حساب: ۰۱۱۰۲۴۷۱۵۹۰۰۵ نزد بانک ملی

ارتباط با مجمع خیرین مدرسه ساز شهرستانهای استان تهران:
بزرگراه بعثت - خیابان شهید سمیعی - اداره کل آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران
تلفکس: ۵۵۱۸۹۰۴۶ www.khayerinteo.ir
info@khayerinteo.ir

رئیس هیئت مدیره: ۰۹۱۲ ۱۱۸۱۴۷۳
مدیرعامل: ۰۹۱۲ ۷۷۰۶۰۲۷
پیروان



تصویر اعضای فنی مجمع خیرین شهرستانهای استان تهران مردادماه ۹۵

هم وطن
در برابر این وضعیت دشوار همه ما مسئولیم





با مدیریت و صرفه جویی بحران آب را جدی بگیریم



سرنوشت رودخانه کرج پرآب ترین رود دامنه البرز جنوبی